



مرا با خود ببر...

هر جا که می روی مرا نیز با خود ببر....

نگذار که در سکوت تلخ زندگی تنها بمانم ، نگذار که در خلوت تاریک زندگی

در گوشه ای بنشینم و به نوای غمگین چشمانم گوش کنم...

هر جا که می روی اگر دوستم میداری مرا با خود ببر....

به سفر می روی مرا همسفر خودت بدان ، به رویاها می روی مرا نیز رویای خودت بدان...

نگذار که احساس کنم یک عاشق تنه‌ایم....

عاشقی که آرزوی یک لحظه را دارد که در کنار یارش و آن کسی که دوستش دارد باشد!

نگذار که همسفر من تنهایی ها باشند و همزبان من سکوت تلخ زندگی!

هر جا که می روی این دل بی طاقتم را که مجنون تو هست تنها نگذار!

دلی که همیشه و همیشه برای تو بوده و هست و

خواهد بود ، یک دل وفادار ، عاشق و یکرنگ!

به من نگو که قلبم همیشه در کنارت هست و هیچگاه احساس دوری

از مرا نمیکنی، اینها همه یک قصه است ! من حقیقت را میخواهم ، و

حقیقت زندگی تویی ، وجود پر مهر تو و آن آغوش مهربان تو هست...

هر جا که می روی ، مرا نیز با خود ببر ، مرا تنها نگذار و مرا روانه دشت تنهایی ها نکن!

